

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ آذر ۱۴۰۱  
مصادف با: ۱۸ جمادی الاول ۱۴۴۴  
جلسه: ۱۶

موضوع کلی: سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۴۸ - بخش سوم - یک اشکال و پاسخ آن -  
شفاعت کنندگان خاص دنیا

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

اشکال

در ادامه بحث گذشته یک اشکالی مطرح است که این اشکال را هم باید پاسخ دهیم. عرض کردیم مسأله شفاعت صرفاً برای رفع عذاب و عقاب و منحصر در اهل معاصی کبیره نیست، بلکه برای جذب کمال و ازدیاد ثواب هم می تواند مؤثر باشد. اشکالی که اینجا مطرح است، این است که اگر ما شفاعت را شامل ازدیاد ثواب و بالا بردن منفعت های اخروی و ازدیاد کمال بدانیم، پس باید بگوییم در هر موردی که ما از خداوند برای ولیّی از اولیاء خدا یا نبیّی از انبیاء خدا طلب کرامت بیشتر، کمال بیشتر، علو مرتبه می کنیم، پس ما باید شفیع آنها محسوب شویم، در حالی که قطعاً ما شفیع انبیاء و اولیاء و به خصوص نبی مکرم اسلام (ص) نیستیم؛ این اجماعی است که کسانی که در مرتبه دانی هستند نمی توانند نسبت به افرادی که در مرتبه بالاتر قرار دارند، شفاعت داشته باشند. لازمه شفاعت علو مرتبه است؛ کسی که در مرتبه بالاتر است می تواند نسبت به کسی که در مرتبه پایین تر از خودش هست شفاعت داشته باشد. بله، دعا برای افرادی که بالاتر هستند هیچ محذوری ندارد؛ اما مسأله شفاعت حتماً باید از سوی مرتبه بالاتر نسبت به مرتبه پایین تر صورت بگیرد. بنابراین اشکال این است که اگر شفاعت بخواهد شامل ازدیاد ثواب شود، لازمه اش آن است که ما که برای پیامبر (ص) تقاضای صلوات و سلام می کنیم، شفیع او محسوب شویم و التالی باطل، فالمقدم مثله. این یک قیاس استثنائی است.

پاسخ

پاسخ این اشکال آن است که طلب ازدیاد رتبه و ثواب و کمال برای پیامبر (ص) و سایر انبیاء و اولیاء در واقع از سنخ شفاعت و وساطت نیست؛ چون همانطور که مستشکل گفته، وساطت حتماً باید از سوی عالی به سوی دانی باشد؛ یعنی عالی واسطه شود برای دانی نزد خداوند. پس این درخواست ازدیاد ثواب برای آن ذوات مقدسه، در حقیقت بیشتر جنبه تربیتی و استفاده برای طلب کننده است. توجه به آن ذات مقدسه، این خودش سازنده است. اینکه برای او طلب سلامتی یا علو مرتبه داشته باشد، این خودش به یک معنا بازگشت می کند به وصول فیض بیشتر به خودش. اصل توجه به آن ذوات و اینکه نزد خداوند متعال و در محضر آنها که اشراف بر این عالم دارند، توجه و محبت خودش را به آنها نشان می دهد، این نزدیک می کند او را به آن ذوات، این باعث قرب بیشتر می شود و سازندگی دارد و نیز باعث جلب نظر بیشتر آنان برای افاضه بیشتر و بهره مندی بیشتر از کمالات است. پس در واقع آنچه اینجا اتفاق می افتد، وساطت برای اینکه

فایده و نفعی به آنها برسد نیست، این راهی است برای توجه بیشتر آن ذوات و جلب محبت و عنایت بیشتر آنها و در واقع اگر فایده و منفعتی هم دارد، بازگشت به خود این طالب و داعی دارد. بنابراین اگر مثلاً ما هر روز می‌گوییم «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» یا می‌گوییم «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و از خدا می‌خواهیم که صلوات و درود خودش را بر پیامبر و آل او سرازیر کند، با این بیانی که من عرض کردم بازگشت به خود او می‌کند. لذا این اشکال هم وارد نیست.

### شفاعت کنندگان

قرار بود درباره شافعان صحبت کنیم؛ تا اینجا عرض کردیم کسانی که می‌توانند مشمول شفاعت قرار گیرند چه کسانی هستند. حالا درباره شفاعت کنندگان می‌خواهیم بحث کنیم. شفاعت در این بحث منظور شفاعت تشریحی است؛ شفاعت تکوینی از دایره بحث ما خارج است. شبهاتی که بیشتر در مسأله شفاعت طرح کردیم، چه از سوی منکران اصل شفاعت و چه کسانی که در محدوده آن اشکال داشتند، عمدتاً ناظر به شفاعت تشریحی بود. شفاعت تکوینی و وساطتی که حقایق وجودیه برخی در این عالم دارند، در جای خودش هم باید اثبات و هم تحلیل شود. شفاعت تشریحی یعنی وساطتی که به نوعی باعث بالا بردن ثواب و منافع معنوی شود یا رفع عذاب و عقاب کند؛ منظور از شفاعت تشریحی این است. شفاعت تشریحی مختص به آخرت نیست بلکه در دنیا هم وجود دارد. بنابراین باید بحث را دو قسمت کنیم:

۱. یکی در مورد شفاعت کنندگانی که فقط در دنیا می‌توانند شفاعت کنند.

۲. شفاعت کنندگانی که هم در دنیا و هم در آخرت می‌توانند شفاعت کنند.

پس ما بحث را در دو مقام دنبال می‌کنیم.

### دسته اول: شفاعت کنندگان خاص دنیا

شفاعت کنندگان خاص دنیا، یعنی کسانی که فقط در دنیا می‌توانند وساطت داشته باشند و به انسان کمک کنند، تا زمانی که انسان در این دنیا هست؛ بعد از اینکه از دنیا رفت دیگر هیچ یک از اینها نمی‌توانند شفیع انسان محسوب شوند. اینها چند امر هستند:

#### ۱. ایمان

اصل ایمان به خدا برای انسان وساطت در نجات از عذاب و عقاب و بالا رفتن درجه ثواب می‌کند.

۱. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ»؛ خداوند تبارک و تعالی به اهل ایمان می‌فرماید تقوای خدا پیشه کنید و به رسول خدا ایمان بیاورید که آنگاه رحمت خداوند بر شما سرازیر می‌شود. البته طبق این آیه صرف ایمان برای شمول رحمت و غفران الهی کافی نیست، بلکه تقوای خداوند هم لازم است. ایمان به خدا و رسول و تقوی الله.

۱. سوره حدید، آیه ۲۸.

۲. آیه دیگر: «يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ»؛<sup>۱</sup> به دعوت خدا پاسخ دهید و به خدا ایمان بیاورید؛ یعنی پاسخ به دعوت خدا و ایمان به دعوت الهی باعث غفران ذنوب و دور شدن از آتش جهنم می‌شود.

پس ایمان به خدا و رسول در دنیا موجب غفران و رهایی از عذاب و عقاب می‌شود. بعد از مرگ، ایمان برای کسی که مؤمن است مفید است؛ برای کسی که ایمان ندارد در این دنیا از این وساطت محروم است. ولی کسی که مُرد، ایمان بعد از مُردن برای او معنا ندارد، سالبه به انتفاء موضوع می‌شود. اصلاً ایمان منحصر است به دنیا، شفاعت ایمان منحصر است به دنیا.

## ۲. عمل صالح

مورد دیگری که در دنیا فقط می‌تواند شفاعت را نصیب انسان کند، عمل صالح است.

۱. آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۲</sup>؛ اگر خدا را دوست داری فاتبعونی، آن وقت خدا هم شما را دوست می‌دارد و گناهان شما را می‌آمرزد. اتبعونی و تبعیت من کنید، این در حقیقت اشاره به همان عمل صالح دارد؛ یعنی یکی از مهم‌ترین مصادیق عمل صالح، همین تبعیت است.

۲. آیه «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»<sup>۳</sup>؛ اگر به خدا قرض نیکو دهید، خدا برای شما آن را مضاعف می‌کند و گناهان شما را می‌بخشد. اینجا قرض دادن به عنوان یک عمل صالح منشأ غفران و شمول رحمت الهی شده است. آیه‌ای که دلالت بر شفاعت عمل صالح کند در قرآن زیاد است.

۳. همه آیاتی که امر به تقوا کرده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»<sup>۴</sup>، وقتی عمل صالح انجام می‌دهند و اطاعت خدا و رسول می‌کنند و قول سدید و محکم دارند، اینها به فوز و رستگاری بزرگ می‌رسند و خداوند ذنوب و گناهان آنها را می‌بخشد؛ باز اینجا عمل صالح واسطه و شفیع انسان شده است. طبیعی است عمل صالح هم فقط در این دنیا می‌تواند مؤثر باشد.

۴. در روایات هم موارد فراوانی داریم که اشاره کرده‌اند به اینکه اعمال صالح چگونه باعث رهایی انسان از عذاب می‌شود. مثلاً برخی روایات در خصوص نماز؛ پیامبر(ص) می‌فرماید: وقت هیچ نمازی فرا نمی‌رسد مگر اینکه ملکی در مقابل مردم ندا می‌دهد «قَوْمُوا إِلَيَّ نِيرَانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ»<sup>۵</sup>، فریاد می‌زند بلند شوید و برخیزید به سوی آتش‌هایی که بر پشت خودتان روشن کرده‌اید؛ برخیزید و با نمازتان اینها را خاموش کنید. پس نماز

۱. سوره احقاف، آیه ۳۱.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۳. سوره تغابن، آیه ۱۷.

۴. سوره احزاب، آیه ۷۰ و ۷۱.

۵. بحار، ج ۷۹، ص ۲۰۹.

آتش‌هایی که ممکن است دامن انسان را گرفته باشد، خاموش می‌کند. معنای شفاعت چیزی جز این نیست. پس عمل صالح فقط در دنیاست.

### ۳. توبه

یکی از اموری که در دنیا می‌تواند شفیع انسان محسوب شود، توبه است. کسی که اهل گناه و مغفرت بوده، چنانچه توبه کند، این باعث رفع عذاب و عقاب از او می‌شود؛ منتهی توبه تا وقتی است که انسان در قید حیات است. شاید مؤثرترین راه رهایی انسان از عذاب آتش همین مسأله توبه است. کافران و مشرکان چون توبه نمی‌کنند، به هیچ وجه مشمول رحمت خداوند و غفران او نیستند. آیاتی که این مطلب را برساند زیاد است:

۱. آیه «اسْتَغْفِرِ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرِ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرِ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ»<sup>۱</sup>.

۲. در آیه ۴۸ سوره نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ». کسانی که مشرک هستند به هیچ وجه خداوند آنها را نمی‌بخشد؛ ولی غیر از آنها را می‌بخشد، منتهی این مربوط به کسانی است که توبه می‌کنند.

۳. این روایت را قبلاً خواندیم که حضرت علی(ع) می‌فرماید «لا شفيع انجح من التوبة»<sup>۲</sup>، واقعاً هیچ شفیع و واسطه‌ای ناجح‌تر از توبه وجود ندارد.

توبه هم تا زمانی است که انسان در این دنیا باشد، وقتی کسی از دنیا برود، فقط نوبت حساب و کتاب است؛ «اليوم عمل و لا حساب و غذا حساب و لا عمل»<sup>۳</sup>، اگر عمل بد است انسان توبه کند و اگر عمل خوب است که پاداش دارد؛ حسابی امروز در کار نیست، ولی فردا نوبت عمل نیست و تنها حساب است. این هم یکی دیگر از شفیعیانی که فقط در دنیا می‌توانند شفاعت کنند و انسان با مردنش به کلی راه آن بسته می‌شود.

### ۴. قرآن

شفیع دیگری که در دنیا می‌تواند برای انسان مفید باشد، قرآن است. البته منظور از اینکه قرآن می‌تواند شفاعت کند همان جنبه هدایت قرآن است.

۱. «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»<sup>۴</sup> شفاعت تشریحی قرآن برای این دنیا است؛ اگر انسان از قرآن تبعیت کند، طبیعتاً از عذاب و آتش رهایی پیدا می‌کند و نجات پیدا می‌کند. اگر از قرآن تبعیت نکند، طبیعتاً راه ضلالت و گمراهی می‌رود. ولی این هم تا زمانی است که انسان در دنیا است.

۱. سوره توبه، آیه ۸۰.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱.

۳. بحار، ج ۷۴، ص ۴۲۳.

۴. سوره مائده، آیه ۱۶.

۲. در روایات هم موارد فراوانی داریم که خداوند تبارک و تعالی بر نقش هدایت قرآن تأکید می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) در این باره در نهج البلاغه در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغُشُّ وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٌ مِنْ عَمَى»، این به وضوح به مسأله هدایت تشریحی قرآن در این عالم اشاره کرده است. مواردی که عرض شد، اینها همه شافعانی هستند که در دنیا فقط می‌توانند شفاعت کنند، اما در آخرت نمی‌توانند شفیع باشند.

### **بحث جلسه آینده**

دسته دوم شافعانی هستند که هم در دنیا و هم در آخرت می‌توانند شفاعت کنند. این را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»